

ای . مارتینوف
نایب رئیس و دبیر اتحادیه آهنگسازان
فدراسیون روسیه

موسیقی معاصر شوروی

برای من مقدور نیست که در چارچوب يك مقاله کوتاه به ترسیم منظره کامل موسیقی معاصر شوروی بپردازم . ازینرو ناگزیرم به تفسیر مختصری در اینباره اکتفا کنم . ابتدا چند کلمه درباره کار آهنگسازانی که نامشان مدت‌هاست نزد علاقمندان موسیقی شهرت دارد به میان می‌آورم . آرام خاچاتوریان ، بدنبال کنسرت زاپسودی خویش برای ویولونسل بهمراهی ارکستر که هم‌اکنون در شهرهای بسیاری از کشورها اجرا شده ، سرگرم تنظیم کنسرتو پیانوی نازهای میباشد . پس از آن قصد دارد يك کنسرتو برای پیانو و ویولن و ویولونسل تنظیم کند . هر سه اثر نامبرده ، بعلاوه زاپسودی مخصوص ویولن که قبلا نوشته شده است برای اجرا در يك برنامه اختصاص دارند . بدین وسیله آهنگساز به سه نوازنده پیانو و ویولن و ویولونسل امکان میدهد که استادی رچیره دستی خویش را در اجرای آثار او نشان بدهند .

تیمخون خرن نیکوف که نخستین کنسرتو پیانوی او در این اواخر بارها اجرا شده است ، کنسرتو پیانوی دوم خود را که همراه ارکستر اجرا میشود به پایان رسانده است .

دمیتری کابانفسکی روی او را توریوی خود بنام « نامه‌ای برای قرن سیام » کار میکند که برای اشعار روبرت راز دسترسکی ساخته میشود .

کابالفسکی اپرای «راهی بسوی معجزه» را اکنون به پایان رسانده است. این اثر برای نمایش در تئاتر اپرای کودکان که سال گذشته در مسکو افتتاح گردید و در نوع خود در جهان منحصر بفرد میباشد اختصاص دارد. و اما درباره آثار جدید **دمیتری شوستاکوویچ** : منظومه سنفونیک توام با آواز از بنام «اعدام استپان رازین» که شعر آن را یوگنی یفتوشنکو ساخته است توجه عموم را به خود جلب کرد. این منظومه که قدرت حماسی و شور فاجعه آسای آن شنونده را در پنجه خود میگیرد، با شیوه بی نظیر آهنگسازی بوجود آمده است که دلیرانه سنن موسیقی کلاسیک روس و در درجه اول سنت موسیقی موسورگسکی را رشد و گسترش میدهد. در اواخر سال گذشته کنسرتو شماره ۲ شوستاکوویچ برای ویولونسل با همراهی ارکستر اجرا گردید. ساختن این اثر با آغاز شصتمین سال تولد آهنگساز مصادف بوده است.

این اثر عمیق و استادانه در وجود مسیلاو راستر و پوویچ اجرا کننده برجسته‌ای پیدا کرده است که آن را در بسیاری از کشورهای جهان به اجرا درآورده است. شوستاکوویچ در نظر دارد اپرایی از روی کتاب «دن آرام» اثر میخائیل شولوخوف بسازد. لازم به گفتن نیست که ما با چه بیصبری منتظر اپرای جدید این آهنگساز برجسته هستیم!

و اینک مختصری درباره آثار جدید و آهنگسازی که آنها را به وجود آورده اند :

بی شک جانب‌ترین پدیده‌ای که در هنر وجود دارد سیر احیای دائمی آن است که با پیدایش و رشد استعداد های جدید بستگی دارد. ما در کنسرت های هر فصل با این استعداد های جوان روبرو میشویم. نسل تازه آهنگسازان شوروی که در این ده دوازده سال اخیر پیش آمده‌اند راه خود را زیر نفوذ و تاثیر همکاران ارشد خود یعنی پروکوفی‌یف و شوستاکوویچ و خاچاتوریان آغاز کرده‌اند و این هم بخوبی قابل درک است چه هنر استادان بزرگ عصر همواره برای جوانان دارای نیروی جا‌دبه است. ولی زندگی کار خود را انجام میدهد و سال به سال استقلال بیشتری در کار آهنگسازان نمایان می‌شود.

آهنگسازان جوان ما به پیروی از سرمشق های موسیقی کلاسیک و موسیقی معاصر شوروی رشد می‌کنند. آنها با موسیقی جدید کشورهای خارجی نیز بخوبی آشنا هستند. بسیاری از آهنگسازان جوان به کشورهای مختلف سفر کرده با همکاران خود در آن کشورها آشنا شده‌اند. ولی هر قدر هم که اینگونه تاثیر پذیری‌ها در آنان فراوان باشد باز نمیتوانند از مسائل اساسی روی بگردانند و اصل توالی و تداوم تاریخی را برهم بزنند.

برای ما غالباً اتفاق می‌افتد که در بحث های خلاقه که آنها هم مورد علاقه جوانان است شرکت کنیم. از چه و درباره چه چیزی در این جلسات سخن می‌رود و بحث میشود؟ درباره مزایا و نقایص آثار تازه، درباره زبان موسیقی معاصر، سنت‌ها، نوجوئی‌ها و غیره. ولی در این باره که چه

چیزی منشاء الهام هنر بشمار میرود هرگز بحثی در نمیگیرد: جوانان بادقت و هشیاری به ندای زندگی گوش میدهند و از این بابت با همکاران ارشد خود یگانگی دارند. آهنگسازان نسل های مختلف شوروی همگی غنای پدیده های زندگی نوین و اندیشه و احساس ملت را در موسیقی خود منعکس میسازند. به عقیده ما کسانی در هنر عصر خود ریشه دارند که به جلو مینگرند و میراث بزرگ کلاسیک را بدست فراموشی نمی سپارند. جهش هنرمند نوآور هر قدر هم که دلیرانه باشد، باز باید زمینه ای برای اتکاء و دورخیز داشته باشد.

نوجوئی در موسیقی از آموزش و بررسی عمیق خلاقیت توده ها جدائی ناپذیر است. آهنگساز مجاز، بلابارتوک، حق داشت که میگفت: آهنگساز باید به زبان موسیقی ملی همچنان مسلط باشد که بر زبان مادری خود، مایلم سخنان آرام خاچاتوریان رانیز در اینجا ذکر کنم، که گفته است: «تاصد ها نغمه ملت خویش را از بر ندانی و با فولکور موسیقی کشور خویش آشنا نباشی آهنگساز نخواهی شد». چنین دانشی آهنگساز راغنی میسازد و دورنماهای خلاقه نامحدودی در برابرش میگستراند. و مسلم است که هر کس مسائل رابه شیوه خود و طبق شخصیت جداگانه خود حل میکند.

به عنوان مثال به موسیقی نوین ارمنستان اشاره میکنم: تا همین چندی پیش موسیقی ارمنی برای شنوندگان به آثار آرام خاچاتوریان محدود میشد، و این هم علت داشت، زیرا خاچاتوریان نخستین کسی بود که غنای نغمه ها و رقص های ارمنی را با نیروئی عظیم از خلال شخصیت پر توان هنر آفرین خویش به جهانیان شناساند. موسیقی خاچاتوریان جاذبه خود را حفظ کرده است، ولی از هم اکنون نسل جدید آهنگسازان ارمنی سر بر آورده است که به زبان خاص خود سخن میگوید.

نمونه روشنی از این لحاظ «شش تابلو» برای پیانو اثر آرنو باباجانیان میباشد. باباجانیان پیانیست بسیار خوبی است و اثر او بنحوی درخشان و باچیره دستی ساخته شده است. ولی آنچه بطور عمده جلب نظر میکند شیوه پرداخت اثر نیست، بلکه خود موسیقی آن است که بر نحوه خاص بهره برداری آهنگساز از وسائل و امکانات زبان موسیقی معاصر گواهی میدهد. در «تابلو ها» سرریهای دوازده صدائی هم وجود دارد، ولی این کار اثر باباجانیان را به تقلیدی از شیوه های مدرن تبدیل نکرده است. موسیقی او از استقلال کامل برخوردار است، اثر باباجانیان از تکه های الحان ملی ارمنی اشباع شده، ریتم تندی در آن به گوش میرسد که رقص ملی ارمنی را بیاد می آورد. در هر ضرب او شخصیت آهنگساز احساس میشود که دلیرانه از چارچوب سنت ها خارج میشود و در همان حال خصلت ملی موسیقی را حفظ میکند.

نودارگابونیا ، آهنگساز گرجی ، مسئله رابه شیوه دیگری حل می- کند . چندسال پیش کنسرتویپانوی او که هنوز کاملاً پخته نبود ولی دامنه ذوق و استعدادش رابخوبی نشان میداد با موفقیت اجراشد. اکنون او باساختن افسانه «موزیکال» روباه و خروس و سگ که اشعار آن از اوربلیانی شاعر گرجی است، نخستین اثر خود را تامسافت دوری پشت سر گذاشته است. عنوان اثر یادآور « قصه روباه » اثر معروف ایگور استراوینسکی میباشد ، ولی این شباهت ظاهر به همین جاختم میشود . موسیقی نودارگابونیا صرفاً گرجی است و تقریباً همه چیز در آن با خصوصیات موسیقی ملی بستگی دارد. مثلاً در گرجستان خوانندگی با سه صدای رواج بسیار دارد، و در آن خواننده تنور دشوارترین تحریر هارا که در گرجستان «کریمانچولی» مینامند اجرا میکند. آهنگساز این شیوه توام باسرعت گفتار استفاده میکند تاجنبه فکاهی و توده ای افسانه موزیکال خود را برساند . افسانه موزیکال «روباه و خروس و سگ» بعنوان یکی از جالبترین آثار موسیقی نوین گرجستان شهرت وسیعی کسب کرده است .

پژوهش های خلاقه **قره قره ریف** آهنگساز آذربایجانی نیز سیر جالبی دارد. او که شاگرد شوستا کوویچ بوده است ، چندین اثر بوجود آورده که همین استعداد درخشان و رقت اندیشه های نوجویانه اوست . بالت های او بنام «هفت پیکر» و «ازراه رعد» با موفقیت بر صحنه بسیاری از تئاترها نمایش داده میشود . قره قره ریف میکوشد عناصر ملی را با شیوه و افزارهای بیان هنر معاصر توام سازد و در این کار از سرمشق معلم خود پیروی میکند.

حدت درک موسیقی و تسلط این آهنگساز بر وزن حتی در آثاری که او از موازین سنن موسیقی دور می افتد بخوبی پیداست . مثلاً در سنفونی شماره ۳ برای ارکستر سالونی ، قرقره ریف از برخی شیوه های تکتیک مسلسل استفاده کرده ، ولی این همه در کوره خلاقیت او ذوب گشته و او توانسته است خصلت آهنگساز آذربایجانی خود را حفظ کند. در اشکال نوین این اثر، سر آغاز ریتمیک موسیقی قره ریف و شور سودائی و ظرافت غنائی آن تجلی مییابد. سنفونی شماره سه بحث زنده ای را در میان موسیقی دانان برانگیخته و گواهی برجستجوهای مداوم این آهنگساز با استعداد بوده است . همچنین نوجویی آهنگساز در بالت « هفت پیکر» او که بر اساس منظومه معروف نظامی ساخته شده است احساس میشود . در موسیقی این بالت نغمگی ها و ریتم های شرقی که به قلب آهنگساز نزدیک و آشناست با ظرافت بسیار گنجانده شده است .

به گمانم یان سه نمونه نه تنها جدا از هم و بخودی خود بلکه در مقام مقایسه نیز جالب توجه اند. این سه نمونه تنوع مکتب های ملی موسیقی شوروی را نشان میدهند، و این یکی از خصوصیات مهم هنر ما است .

در کشور ما همه امکانات برای رشد و تکامل فرهنگ ملی کلیه ملت های شوروی فراهم است و این فرهنگ های ملی بسرعت پیشرفت کرده و در یکدیگر تأثیر مینمایند. این امر وضع جغرافیائی خلاقیت موسیقی رادز شوروی بنحوی بارز تغییر داده است. اگر تا سال ۱۹۱۷ آهنگسازان تنها در چند شهر روسیه متمرکز بودند، اکنون اندیشه آفرینشگر موسیقی در کلیه جمهوری های شوروی فعالانه تجلی میکند. در همه جا، حتی در نقاطی که فرهنگ موسیقی حرفه ای پیش از آن وجود نداشت آهنگسازان به وجود آمده اند.

جمهوری های آسیای میانه: ازبکستان و ترکمنستان و تاجیکستان و ازبکستان و قرقیزستان از این نظر نمونه های برجسته ای هستند. فولکلور ملت های این جمهوری ها بی اندازه غنی و اصیل است. ولی در گذشته این ملت ها نه آهنگساز داشتند و نه نوازنده حرفه ای. اما اکنون همه چیز عوض شده است. در جمهوری های آسیای میانه تئاترهای اپرا و انجمن های فیلامونیک دایر است. دو کنسرواتوار تاشکند و آلماتا در همه رشته های موسیقی موزیسین تربیت میکنند، حال بگذریم از آموزشگاه های موسیقی که در بسیاری از شهرها وجود دارند. یکی از این آموزشگاه ها در شهر پرژه والسک در ساحل دریاچه ایسک کول واقع است که صدسال پیش تنها پای برخی از سیاحان بدانجا رسیده بود. ولی اکنون ما توانسته ایم در آنجا کنسرت یک ویولونیست جوان قرقیز را استماع کنیم که کنسرت ویولن و ویوالدی را اجرا میکرد. در همه جا رهبران ارکسترو خوانندگان اپرا و دبیران موسیقی و مهمتر از همه آهنگسازان پدیدار گشته اند. آنها آثار متنوع ملی بسیار بوجود آورده اند و نام بسیاری از آنان در سراسر کشور مشهور شده است.

قدوس کوزامباروف، نخستین آهنگساز اوغور و سازنده منظومه سنتفونیک «رضوان گل» و آثار دیگر که در حال حاضر ریاست کنسرواتوار آلماتا را برعهده دارد بین دوستداران موسیقی شوروی از شهرت فراوان برخوردار است.

مومنان تولبایف، آهنگساز کازاخ که اپرای «بیرزان و سارای» او علاوه مردم را به خود جلب کرده است، و همچنین **احمد ژوبانوف** فولکلوریست و موسیقی شناس **ویومئی بروسیلوفسکی** آهنگساز روسی که مدتها در کازاخستان خدمت کرده و نخستین اپراهای ملی کازاخ ساخته اوست زحمات فراوانی برای پیشرفت و تکامل موسیقی کازاخ کشیده اند. در ترکمنستان باید از **ولی محمد موخاتف**، رئیس اتحادیه آهنگسازان جمهوری که بسنن ملی با موفقیت در آثار بزرگ موسیقی گسترش میدهد، و همچنین از همکاران او: **دانگاتار عوضوف**، **شیرفلی اوف** و دیگران نام برد، در تاجیکستان **شرف الدین سیف الدنیوف** و **شریف باکانزوف** و **زیادالله شهبندی** با موفقیت به کار آهنگسازی مشغولند. همه اینان مکتب

جدی کنسرواتوار راطی کرده آثار خود را به شیوه‌ها و شکل‌های مختلف می‌سازند .

در قرقیزستان باید از **آبدیلاس مالدی بایف** نام برد که به اتفاق **ولادیمیر ولاسوف و ولادیمیر فره** ، آهنگسازان روس ، یک رشته اپرا، واز آن جمله اپرای افسانه آمیز «آی چورک» را بوجود آورده که محبوبیت فراوانی در قرقیزستان کسب کرده است .

بزرگترین گروه آهنگسازان آسیای میانه از آن ازبکستان است، زمانی **سرگئی واسیلنکو و ریگولد گلی بر** ، آهنگسازان روس ، در امر پیشرفت موسیقی ازبکستان و تعلیم جوانان مستعد این جمهوری کمک شایان کرده‌اند . آنان پایه استواری برای کار آهنگسازان ازبک ریخته‌یاریشان کردند تا تجربه غنی فرهنگ موسیقی جهانی را فرا گیرند . اکنون آهنگ سازان با استعدادی مانند صابر بابایف ، موتال برهاتف و دیگران در جمهوری ازبکستان فعالیت وسیع خلاقه دارند .

آنان با سنت‌های هنر ملی بارآمده‌اند و بخوانندگان و نوازندگان چیره دست ازبک ارتباط نزدیک دارند . در عین حال آنان میکوشند تا موسیقی ازبک را با وسایل بیان و اشکال و شیوه‌های جدید غنی سازند . اینک یک نمونه : در ازبکستان هرگز گروه ملی همسرایان وجود نداشت . لیکن برهاتف بر آن شد که یک رشته آواز دستجمعی به رنگ و روح ملی بسازد و این مسئله با موفقیت بسیار حل کرد: آوازهای همسرانی او بسیار جالب از کار درآمد و سبک ملی در آن بخوبی حفظ شد .

اکنون مایلم خوانندگان را با **مارگریتا وین** آهنگساز لتونی آشنا کنم. سال گذشته اوراتوریوی او به نام «ماهاگونی» برای چند سولیسیت و دو گروه همسرایان با همراهی سازهای ضربی در مسکو اجرا شد. این اثر که به مبارزه آزادی بخشی ملل آفریقا اختصاص دارد اثر عمیقی بجا گذاشت. در این اثر عناصر موسیقی سیاه پوستان (خاصه ریتم‌های غنی آن) گسترش یافته است و با اینهمه اوراتوریوی «ماهاگونی» با سنت‌های موسیقی لتونی که برای آهنگساز بسیار نزدیک و آشناست ارتباط ناگسستنی دارد. مارگریتا وین در این اثر خود را استاد واقعی سبک جدی موسیقی معرفی کرد، ولی از آن گذشته او در زمینه موسیقی مجلسی نیز فعالیت ثمر بخشی دارد. در اینجا میتوان از «قطعه به سبک باروک» او که برای اشعار رونسار و فرانسوا یون ، شاعران آغاز دوران رنسانس فرانسه ، ساخته شده است نام برد . آهنگساز موسیقی کهن فرانسه را با دیدگان فردی از همان عصر نگریسته است و این نکته بخوبی در اثر او احساس میشود. هر چند که نام اثر دلالت بر نوعی استیلا بر فرانسویان دارد .

آفرینش موسیقی در استونی بصورت بسیار جالبی گسترش مییابد و در این ده دوازده ساله اخیر آهنگسازان با استعدادی مانند **ایموتامبروک یان ریاتیس** ، **آروو پیارت** و دیگران در این جمهوری برخاسته‌اند .

از میان آثار اینو تامبرک ، سنفونی بالت او و همچنین « اوراتوریوی ماه» معروفیت یافته اند . ضمناً باید گفت که موضوع کیمپل توجه خاص آهنگسازان جوان استونی را به خود جلب میکند . در این مورد میتوان از سنفونی ۴ « کیهانی » یاد کرد که بوقت خود بحث گرم و زنده ای برانگیخت . و اما درباره آروپیارت باید گفت که او در نوجوئی های خود قاطع تر از دیگر آهنگسازان استونی است . او از استعداد درخشانی برخوردار است که پیش از این در کانتات « باغ ما » که بری گروه همسرایان ساخته شده است ظاهر گردید . در عین حال او در جستجوی وسایل جدید بیان پویانده ای خستگی ناپذیر است ، و این معنی مثلاً در سنفونی دوگانه اش که سال گذشته در مسکو طنین افکند و یک بار دیگر توجه مردم را به سازنده با استعداد خود جلب کرد بخوبی هویدا است .

و اینک میرسیم به نسل جدید آهنگسازان روس . ابتدا باید از **آندری اشپای** ، سازنده سه سنفونی و کنسرتوهای برای پیانو و ویولن و ترانه های متعدد ، نام برد . اشپای دزهمه زمینهای کار خود ، از سنفونی گرفته تا موزیک فیلم ، کسب محبوبیت کرده است . در همان پایه ، آهنگساز **الکساندر خولمیوف** قرار دارد که اپرای او بنام « تراژدی خوشبینانه » (ذروی نمایشنامه ای به همین نام ، اثر وسه الو و یشنسکی) از طرف تماشاگران چندین شهر و شنوندگان رادیو بگرمی استقبال شد . **پاریس چایکوفسکی** آهنگسازی بسیار جدی بنظر میرسد . کنسرتو ویولونسل او با همراهی ارکستر در مسکو و لنینگراد و پاریس با موفقیت اجرا میشود . ناگفته نماند که در این اواخر آهنگسازان شوروی کنسرتوها و سونات صی فراوانی برای ویولونسل نوشته اند . علت یک چنین توجه به این ساز زهی را باید در فعالیت یکی از مشهورترین ویولونیست های جهان و اجرا کننده خستگی ناپذیر کلیه آثار جدید **تیسلاو راتسورپوویچ** ، جست ، آهنگسازان که او را دوست و فادار خود می بینند ، برغبت آثاری برای او مینویسند .

حتی در کوتاه ترین تفسیر هم باید از چند تن آهنگساز اهل لنینگراد نام برد ، و اینان عبارتند از **سرگئی سلونیمسکی** سازنده « ترانه های آزادی » که برای دو صدا و ارکستر ساخته شده است ، **وادیم وسلوف** سازنده اوراتوریو برای نسل و آوری پروسوف و چندین قطعه غنائی ، و همچنین **پاریس تیشچنکو و والری گاوریلین** که هنوز یکسر جوان هستند . از روزی که پاریس تیشچنکو ، در آغاز کار آهنگسازی ، کنسرتو پیانوی خود را با همراهی ارکستر با موفقیت بسیار اجرا کرد بیش از پنج سال گذشته است . از آن زمان تا کنون او یک سنفونی ، یک کنسرتو برای ویولونسل ، یک بالت بنام « دوازده » روی اشعار الکساندر بلوک ، سه سونات برای پیانو و چند قطعه آواز و غیره ساخته است . تیشچنکو با سرعت بسیار پیشرفت میکند ، جستجوهای او بسیار متنوع و پر تکلف ،

ولی همواره با استعدادی واقعی توأم است و میتوان درآینده آثار درخشان و فراوانی از او انتظار داشت .

چنین بنظر میرسد که پس از آهنگسازان کلاسیک روس، و پس از سرگئی پروکوفی یف، بدشواری بتوان چیز تازه‌ای در زمینه تنظیم فولکلور روس بیان داشت . اما آهنگساز جوان **والری گاوریلین** که تازه کنسرواتوار ارائه میدهد . این اثر که عبارتست از یک رشته ترانه برای آواز با همراهی لنینگراد رابه پایان رسانده است ظاهر میشود «دفترچه روسی» خود را پیانو میباشد و میتوان آن را زمانی بصورت ترانه هاشمرد از زندگی و عشق و نومیدی های دختری حکایت میکند که محبوبش او را ترک کرده است . موضوع تازه‌ای نیست ، ولی چه طراوت و چه مایه نوجوانی واقعی که آهنگساز جوان بدان بخشیده است و نغمات ترانه‌های روسی چه‌طنین تازه‌ای در این اثر پیدا کرده است !

باانتشار «دفترچه روسی» بار دیگر این مسئله مطرح شد که نوبودن اثر موسیقی باچه معیاری باید سنجیده شود ؟ به عقیده ما پیش از هرچیز مهر عصر خود داشتن و هماهنگی با احساسات و اندیشه های معاصر می-تواند چنین معیاری باشد .

ازاینرو برای بیان محتوای اندیشه و احساس عصر خود باید اشکال تازه‌ای جست ؟ اما این شکل ها کدام است ؟ هر آهنگسازی آزاد است که این مسئله رابه شیوه خاص خود حل کند ، ولی هرگز نباید شنوندگان موسیقی خودرا از یاد برد . بی شک جستجوهای آفرینشگرانه آهنگساز هرچه باشد ، در آخرین تحلیل ، تنها در صورتی مقبول خواهد افتاد که با تصدیق واقعی شنوندگان روبرو شود .

اما **یوری سویرییوف** ، آهنگساز معاصر روس ، متعلق به نسل ارشد آهنگسازان است ، ولی در هر یک از آثار او جوانی و نگرانی اندیشه آفرینشگرانه او که پیوسته مسائل تازه و تازه‌تری را مطرح میکند تجلی دارد . او چنده سال پیش يك «اوراتوریوی پائته تیک» روی اشعار ولادیمیر مایاکوفسکی ساخت که اثری بس درخشان و بی باکانه است و بارها باموفقیت فراوان در بسیاری از شهرها اجرا شده و به دریافت جایزه نین نایل گردیده است . همدیف با این اوراتوریو ، آهنگساز در یک رشته ترانه های بسیار زیبا روی اشعار سرگئی لسنین و آوتیک ایساهاکیان و روبرت برنس هنرنمایی کرده است . از آثار تازه تر آهنگساز باید از «سرودهای کورسک» نام برد که برای سولیسیتها و گروه همسرایان و ارکستر ساخته شده و در آن نغمه های سرود های ایالت کورسک ، زادگاه آهنگساز ، با استادی و چیره دستی فراوان تنظیم گشته است . پرواز آزاد اندیشه آهنگساز و تازگی شیوه تنظیم نغمه‌های روسی در این اثر بخوبی نمایان است و اثر با استقبال گرم دوستداران موسیقی روبرو گردید .

در میان جوانان آهنگساز شوروی ، **رادیون شچادرین** برجسته تر
 مینماید . او سازندهٔ دو سنفونی ، دو کنسرتو پیانو ، بالت «کره اسب قوزی»
 که روی صحنهٔ بالثوی تئاتر نمایش داده میشود ، آثاری برای پیانو و از
 آن جمله چند سمونات و دو آوازده پرلود و فوک و غیره میباشد . شچادرین از
 همان سالهای تحصیل در کنسرواتوار در چند هیئت اعزامی برای جمع-
 آوری آثار فولکلوری شرکت داشته و در این سفرها باطنین زندهٔ ترانه
 های ملی آشنائی یافته است . مثلا او به آهنگ های کوتاه فکاهی بنام
 «چاستوشکی» که غالبا جوانان میخوانند و تاکنون توجه آهنگسازان
 حرفه ای را تقریبا به خود جلب نکرده است علاقمند گردید و برای نخستین
 بار عناصر این ترانه ها را در آثار عمدهٔ خود ، از جمله در اپرای «نه تنها
 عشق» وارد کرد . توجه به آهنگهای «چاستوشکی» نیروی تخیل آهنگساز
 راغنی تر ساخت ، ولی او خود را به این دایرهٔ تنگ محدود نکرد و با پیگیری
 در پی تسلط بر شیوه های جدید بیان برآمد . نوجوئی های او خاصه در پرلود
 های او برای پیانو و همچنین در سنفونی شمارهٔ ۲ و در کنسرتو پیانوی
 شمارهٔ ۲ او که همراه ارکستر اجرا میشود مشهود است .

این کنسرتو که برای نخستین بار در ماه ژانویه در مسکو اجرا شد ،
 حتی از نظر شکل و نیز شیوهٔ بیان خود غیر عادی میباشد . آهنگساز
 سه بخش کنسرتو را بترتیب «گفت و شنود» ، «بدیهی سرائی» و
 (ناهمسازی) نامیده است و این نامگذاری خصلت اثر را بدرستی بیان
 میدارد . آهنگساز ، بدون متابعت از اسکال مرسوم ، اثر خود را بر مبنای
 بس استوار یک اصل مشخص پی ریزی میکند . در بخش اول نوای پیانو و
 ارکستر به نوبت شنیده میشود . در بخش دوم آهنگساز از شیوه های خاص
 خویش در بدیهه سرائی موسیقی استفاده میجوید که در بخش سوم در
 زمینهٔ تباین و ناهمسازی بازی گسترده میشود . ولی با همهٔ تنوع عناصر
 این اثر ، در نتیجه گسترش کاملا منطقی اندیشه های موسیقی ، تأثیری
 بس هماهنگ و یکپارچه در شنونده بجای میگذارد .

و میباید همچنان به ذکر مختصر نام و آثار آهنگسازان روس ادراک
 دادواز **آندره پتروف** ، سازندهٔ بالت «ساحل امید» و یک دورهٔ سنونیک
 بنام «ترانه های ایام» ، و نیز از **گنادی بلوف** سازندهٔ منظومهٔ «لنینگراد»
 و **عارف ملکوف** آهنگساز آذربایجانی که بالت «انسانهٔ عشق» او در صحنه
 های بسیاری از تئاتر ها اجرا شده است ، **ریورگیس یوزه لوتاس** سازندهٔ
 «سوئیت افریقائی» برای ارکستر سنفونیک و بسیار دیگر یاد کرد . ولی
 برای احتراز از اطباب اینک به شرح مختصری دربارهٔ اتحادیهٔ آهنگسازان
 میپردازم و میگردم :

ما آهنگسازان و موسیقی شناسان شوروی بدشواری میتوانیم فعالیت
 خود را بدون اتحادیه آهنگسازان اتحاد شوروی که در کلیهٔ نوجوئی ها به
 همهٔ ما کمک میکند در نظر مجسم سازیم . در چارچوب این اتحادیه ، مادر

میان همکاران خود منظمآ با آثار تازه آشنا می‌شویم و درباره آنها به بحث می‌پردازیم. جلسات بحث‌ها غالباً با شور و حرارت برگزار می‌شود و اختلاف نظرهایی که ارائه می‌شود تنها به جالب تر شدن این جلسات برای آهنگسازان کمک می‌کند. بویژه جلسات بحث مربوط به فستیوال های بزرگ خلایقیت موسیقی شوروی بسیار زنده و پرهیجان است. در این جلسات آهنگسازان و موسیقی شناسان بسیاری از جمهوری ها شرکت می‌کنند و همین خود به تحکیم مناسبات خلاقه شان بیشتر کمک مینماید.

اتحادیه آهنگسازان برای اجرای آثار تازه موسیقی کنسرت‌هایی ترتیب می‌دهد و مخارج مربوط به نت نویسی برای سازهای ارکستر را خود متقبل می‌شود. این امر خاصه برای آهنگسازان جوان اهمیت بسیار دارد. از آن گذشته، اتحادیه و جوهی در اختیار آهنگسازان قرار می‌دهد تا به شهر های مختلف که آثار عمده شان در آن به اجرا گذاشته می‌شود سفر کنند. گاه نیز وسایل سفر آهنگسازان به خارج کشور ترتیب داده می‌شود تا در کنسرت آثار یاد نمایش اپرا و باله خود شرکت جویند.

اتحادیه آهنگسازان خانه هائی بنام «خانه خلایقیت» در اختیار دارد که آهنگسازان و موسیقی شناسان عضو می‌توانند در محیط آرام و مرفه آن به کار خلاقه خود بپردازند. از این خانه ها در نزدیکی مسکو و لنینگراد و کی‌یف و ایروان موجود است و مدت اقامت در آنها به وسعت دامنه اثر و ارزش هنری آن بستگی دارد.

اتحادیه آهنگسازان به ترتیب کنسرت و ملاقات آهنگسازان با شنوندگان کمک می‌کند. این گونه ملاقات ها مدت‌هاست که برای آهنگسازان بصورت ضرورتی حیاتی در آمده است. در این مختصر حتی ذکری اجمالی درباره سفرهای آهنگسازان و نوازندگان و اجرا کنندگان آثارشان در سراسر کشور مقدور نیست. با این همه بد نیست گفته شود که یکی از آثار **ماریان گروال** برای نخستین بار در مرکز شتاور قطب شمال بوسیله **ورادولوا** نوازنده هارپ اجرا شد. البته این يك واقعه استثنائی است. ولی مسافرت به نواحی دور افتاده سیبری و دشت ها و کوهستان های آسیای میانه امری عادی است، تا چه رسد به شهر های نزدیک بخش اروپائی کشور که آهنگسازان غالباً مهمان این شهر ها هستند. این مسافرت ها اهمیت فراوانی دارد، زیرا نه تنها به تعمیم و اشاعه آثار موسیقی معاصر کمک می‌کند بلکه از بسیاری جهات آهنگسازان را الهام می‌بخشد.

اتحادیه آهنگسازان اتحاد شوروی روابط بین‌المللی وسیعی دارد و نت و کتاب و مجله با کشورهای دیگر مبادله می‌کند. غالباً مهمانان خارجی به کشور ما می‌آیند و ما نیز به نوبه خود برای بازدید به خارج سفر می‌کنیم. تمام اینها پایه و اساس استواری برای گسترش روابط با همکارانمان در کشورهای دیگر است و امیدواریم که این روابط بسط و انبساط بیشتری بگیرد.